

ماهنامه علمی-اطلاع‌رسانی

دانش سلامت و دین

شماره پنجم، بهمن ۱۳۹۷

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصُّدِيقَةُ الشَّهِيدَةُ



ماهنامه «دانش سلامت و دین»، ضمن استقبال از نقدها و پیشنهادهای شما، آمادگی دارد مطالب ارسالی را منتشر نماید.



hrj@muq.ac.ir



۰۲۵۳۲۴۰۰۵۴۶



اشباح الحرام

ماهنامه علمی - اطلاع رسانی
دانش مستدام

شماره پروانه انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۸۱۹۷۰
شماره پنجم، بهمن ۱۳۹۷

سخن آغازین

در لحظات واپسین با حضرت فاطمه سلام الله علیها.....۳

سلامت در قرآن

خواب از دیدگاه قرآن و آموزه‌های دینی.....۵
علی اکبر حق‌ویسی، ابوالفضل محمدکریمی

سلامت در احادیث

روش پژوهش حدیثی.....۷
دکتر محمدکاظم رحمان‌ستایش

فقه سلامت

تشریح و کالبدشکافی در آینه فقه.....۹
محمد مهری لیقوان

اخلاق پزشکی

دانش اندک ما.....۱۱
دکتر محسن رضایی‌آدریانی

فلسفه پزشکی

رویکرد فیزیولوژیک به مفهوم سلامت و بیماری.....۱۲
دکتر صادق یوسفی

معرفی سایت

روزنه‌ای به باطن دین.....۱۳

مسئولیت محتوای مطالب نشریه بر عهده نویسندگان است.
نشریه در پذیرش و ویرایش مطالب، آزاد است.

نقل مطالب با ذکر منبع و حفظ حقوق مادی و معنوی نویسندگان مجاز است.

صاحب امتیاز: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قم

مدیر مسؤول: دکتر ابوالفضل ایرانی‌خواه

سردبیر: دکتر اکرم حیدری

امور اجرایی: محمد سالم

ویراستار: مرتضی حیدری

طراحی و صفحه‌آرایی: فاطمه‌سادات حسینی

در لحظات واپسین با حضرت فاطمه سلام الله علیها



سوید بن غفله گوید: در بیماری فوت فاطمه (س)، عده ای از زنان مهاجر و انصار، برای عیادت، خدمت آن حضرت رسیدند و گفتند: حال شما چگونه است با این بیماری، ای دخت رسول خدا؟

فاطمه (س) پس از حمد الاهی و درود فرستادن بر پدر بزرگوارش، فرمود: به خدا سوگند در شرایطی به سر می‌برم که از دنیای شما بیزار، و از مردانتان در خشمم. پس از آنکه امتحانشان کردم، آنان را دور افکندم و بعد از آنکه یک به یکشان را آزمودم، از آنان ملول شدم. چه زشت است شکسته شدن لبه شمشیر، و شوخی پس از جدیت، و از دست دادن صلابت، و ترک خوردن نیزه و ناراستی و فریب اندیشه‌ها، و لغزش خواسته‌های نفسانی! «بَسَّسَ مَا قَدَمْتُ لَهُمْ أَنْفُسَهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ فِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ» «چه بد اعمالی برای خود پیش فرستادند و خود را در معرض خشم الاهی قرار دادند و در عذاب، جاودانه شدند». به ناچار ریسمان خلافت بر گردنشان افتاد و بار سنگین مسؤلیت آن بر عهده شان قرار گرفت و جنگ و غارت‌های آن، دامنگیرشان شد از همه سو؛ باشد که خداوند، ستمکاران را پیوسته دور از هدف، نابود، و دور از رحمت خود قرار دهد. وای بر آنان، چگونه خلافت را از کوه‌های بلند و استوار رسالت و بنیان‌های نبوت و هدایت، و فرودگاه جبرئیل امین و آگاه به امور دنیا و دین به سختی حرکت دادند! راستی که این کار، زبانی آشکار بود. چه باعث گردید که با ابوالحسن (ع) دشمنی کنند؟ به خدا سوگند، این نبود مگر به خاطر قاطعیت شمشیر او و بی‌اعتنایی‌اش به مرگ و استواری گام‌هایش، و ضربه‌های عقوبت‌آمیز و عبرت‌آموز او، و خشم و غرش‌هایش در راه خدای تعالی. به خدا سوگند اگر از راه روشن، منحرف نمی‌شدند و از قبول دلیل آشکار سرباز نمی‌زدند، [و علی (ع) را بر خلافت می‌نشانند] آنان را به راه مستقیم برمی‌گرداند و بر آن وامی‌داشت و چنان آرام و نرم، آنان را سیر می‌داد که زخم و آسیب نمی‌دیدند و مانده نمی‌شدند و ملالت نمی‌یافتند؛ و آنان را به

چشمه‌ساری درمی‌آورد پاکیزه، صاف و سیراب‌کننده و لبالب و نالوده، شکمشان را از این آب می‌آکند و در نهان و آشکار، برایشان خیرخواهی می‌کرد. از زینت دنیا، بهره فراوان نمی‌جست و از رزق و روزی آن، جز به اندازه رفع تشنگی و گرسنگی استفاده نمی‌کرد، بی‌آنکه بخواهد همچون تشنه در پی سیرابی، و همچون گرسنه در پی سیری باشد. بی‌شک، در چنین خلافتی، انسان زاهد از دنیاپرست، و راستگو از دروغ‌پرداز مشخص می‌گشت «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» «و اگر ساکنان تمام سرزمین‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، درهای برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم، لکن تکذیب کردند، ما هم آنها را به کیفر کردارشان فرو گرفتیم و مؤاخذه نمودیم»؛ «وَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتٌ مَا كَسَبُوا وَ مَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ» «و ستمکاران این مردم نیز به گرفتار عقوبت اعمالشان خواهند شد و راه گریزی نیست».

هشدار فاطمه (س)

هان! پیش آی و بشنو. هر روز که بر زندگی‌ات می‌گذرد، روزگار، شگفتی‌هایی به تو نشان می‌دهد. «وَإِنْ تَعْجَبَ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ» «اگر تعجب می‌کنی، گفته آنان بیشتر مایه تعجب و شگفتی است».

کاش می‌دانستم به کدام تکیه‌گاه، اعتماد ورزیده‌اند و به کدام اساس و بنیان، آسوده‌خاطر گشته‌اند، و به کدام ریسمان چنگ زده‌اند، و به کدام ذریه دست یافته و چیره شده‌اند؟ چه بد یآوری و چه بد جایگزینی انتخاب کردند ستمکاران! به خدا سوگند که ناکارآمدان را به جای انسان‌های کارآمد، عقب‌ماندگان را به جای پیشگامان برگزیدند، پس به خاک مذلت افتادند «يَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا»، «آگاه باشید که اینان مفسداند و خود نمی‌دانند» «أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِن لَّا يَشْعُرُونَ» «آنان که می‌پندارند کار خوبی انجام می‌دهند». وای بر ایشان «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» «و ای

«آیا آن که به حق هدایت می‌کند، مگر خود هدایت شود؟ پس شما را چه شده است که این‌گونه قضاوت می‌کنید».

عاقبت غصب خلافت علی (ع)

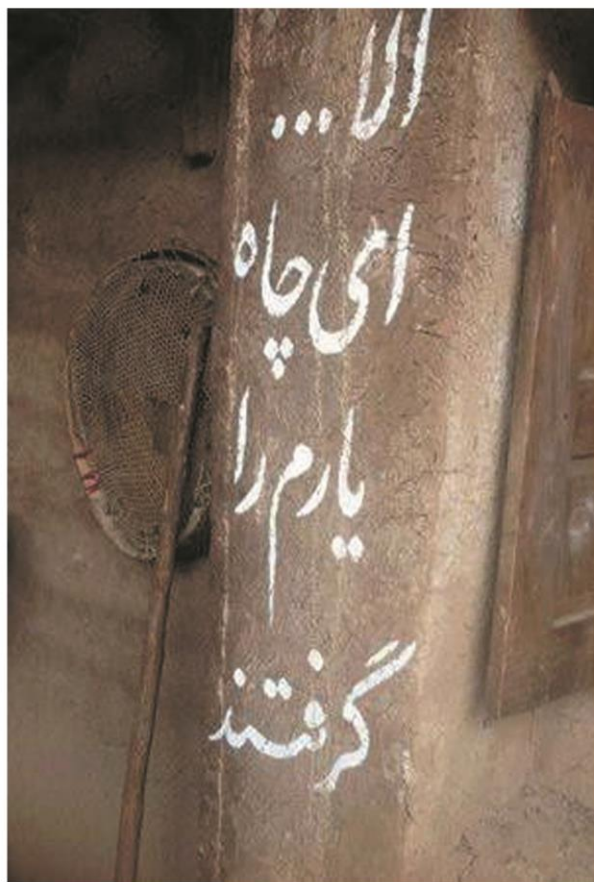
به جان خودم سوگند که زمان، آبستن حوادثی است و چیزی نمانده که آن حوادث آشکار شود. پس، ظرف‌های آکنده از خون تازه و سمّ کشنده را خواهید نوشید و در این هنگام است که باطل‌گرایان، زیان‌کار می‌شوند و چهره دروغ‌گویان در پی آنچه پیشینیان اساس نهادند، ظاهر می‌گردد. شما نیز به خاطر دنیای خود، به این امر راضی شدید و با آرامش، به فتنه‌ها دل سپردید. بشارت می‌دهم شما را به شمشیری برنده، و حمله‌ای تجاوزگرانه و ظالمانه، و آشوبی فراگیر و استبدادی از سوی ظلم‌پیشگان که سهمی اندک از مالیات به شما می‌دهند و جمعتان را درو می‌کنند. پس حسرت و پشیمانی نصیب شما خواهد بود و چه خواهید کرد که دیگر فرصت‌ها سپری شده و در تاریکی فرو افتاده‌اید «أَنْتُمْ مُكْمُوها وَأَنْتُمْ لَهَا كارهُونَ» «آیا شما را به قبول هدایت مجبور کنیم، در حالی که از آن تنفر دارید».

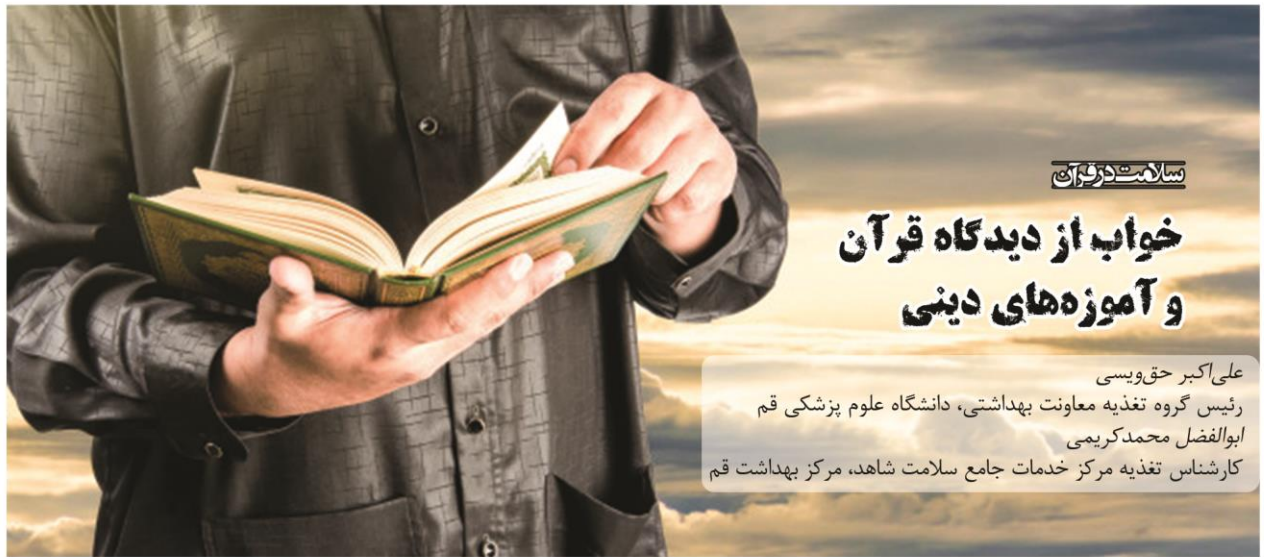
عذری که پذیرفته نیست

سوید بن غفله گوید: زنان بازگشتند و سخنان فاطمه (س) را برای شوهران خود بازگو کردند. آن‌گاه، عده‌ای از مهاجرین و انصار برای پوزش‌خواهی، نزد آن حضرت سلام‌الله‌علیها آمدند و گفتند: «ای سرور زنان، اگر ابوالحسن پیش از حکم شدن عهد خلافت و به انجام رسیدن کار، این مطالب را برای ما می‌گفت، به جای او، دیگری را بر نمی‌گزیدیم». فاطمه سلام‌الله‌علیها فرمود: «مرا تنها بگذارید که تعلق کرده‌اید و عذری پذیرفته نیست، و کوتاهی ورزیده‌اید و کار از دست شده است».

برگرفته از کتاب خطبه حضرت زهرا(س): خطبه فدکیه اثر محمد مهدی رضایی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





سلامت در قرآن

خواب از دیدگاه قرآن و آموزه‌های دینی

علی‌اکبر حق‌ویسی
رئیس گروه تغذیه معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی قم
ابوالفضل محمدکریمی
کارشناس تغذیه مرکز خدمات جامع سلامت شاهد، مرکز بهداشت قم

است (مرگ موقت) (۴). آیات مربوط به خواب به دو دسته تقسیم می‌شوند:

دسته اول، آیاتی که در آن‌ها، به موضوع شب و جایگاه ویژه شب به عنوان زمان استراحت و خواب و جایگاه روز برای کار و تلاش، اشاره دارند و دسته دوم، آیاتی که به موضوع شب و عبادت و محدوده خواب در شب اشاره دارند (۵). از جمله آیات

در مورد خواب می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

«وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا» (او کسی است که شب را برای شما پوشش قرار داد و خواب را مایه استراحت و روز را وسیله حیات (حرکت)) (سوره مبارکه فرقان، آیه ۴۷)

«وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا» (خواب شما را مایه آرامش قرار دادیم، و شب را پوششی (برای شما)) (سوره مبارکه نبا، آیات ۹ و ۱۰)

«اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ» (خداوند همان است که شب را برای شما قرار داد تا در آن سکونت و آرامش یابید) (سوره مبارکه غافر، آیه ۶۱)

«... وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا» (و شب را مایه آرامش قرار داد) (سوره مبارکه انعام، آیه ۹۶)

«أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا» (آیا ندیدند که ما شب را برای آرامش آنها قرار دادیم و روز را روشنی بخش؟) (سوره مبارکه نمل، آیه ۸۶)

«وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ» (و از نشانه‌های او، خواب شما در شب و روز است) (سوره مبارکه روم، آیه ۲۳)

بر اساس آنچه از محتوا و مفاد آیات فوق برمی‌آید، خواب یک نعمت و هدیه الهی است که به انسان خاکی اجازه می‌دهد تا در یک زمان محدود، آرام و دغدغه‌هایش را التیام بخشد و رنج و سختی زندگی دنیوی را بر خود آسان نماید. قرآن، خواب را در دو بعد درون و بیرون (آفاق و انفس) می‌داند و به عنوان نمود از نظام حکیمانه آفریننده آن، مورد توجه قرار می‌دهد (۶).

خواب یکی از نعمت‌های خداوند است که تقریباً یک سوم عمر انسان را دربرمی‌گیرد. انسان و همه موجودات زنده برای تجدید قوا و به دست آوردن نیروی لازم برای ادامه کار و فعالیت، به استراحت احتیاج دارند. به هنگام آرمیدن، بخش عظیمی از فعالیت‌های روحی و جسمی انسان تعطیل می‌شود و در پرتو آن، اعضای فرسوده بازسازی می‌شود؛ روح و جسم تقویت می‌گردد؛ نشاط تجدید می‌شود و سرانجام، پس از رفع هرگونه خستگی و ناراحتی، آمادگی دوباره برای کار و تلاش و حضور جدی در عرصه اجتماع فراهم می‌شود (۱). به حق، اگر خواب نباشد، روح و جسم انسان بسیار زود پژمرده و فرسوده می‌شود و از همین رو، خواب شایسته و بسنده و آرام، راز سلامت و شادابی انسان است. پس به هنگام خواب، روزنه‌ای به جهان دیگر گشوده می‌شود و روان آدمی، سبک‌بال و سبک‌پوی، به سوی عالم بالا می‌پوید. خلاصه سخن آن که در اسلام، خواب، قبل از این که یک پدیده جسمانی باشد، یک پدیده روحانی است (۲).

خواب در قرآن

در قرآن، از خواب و رؤیا، بیشتر به عنوان یک «نشانه الهی» یاد شده است که پیامی برای ما به همراه دارد و ما را به سوی کمال هدایت می‌کند. در واقع، خواب، یکی از نشانه‌های الهی است که در خود، حکایت‌های ناگفته بسیار دارد. اگر کسی، از خودی خود بیرون بیاید و به خواب، که سری در آن سو دارد و ما را به دیگر سو می‌کشاند، توجه کند، حکایت‌ها، اشارت‌ها و هدایت‌های بسیاری برایش پدیدار خواهد شد.

از همین رو است که خداوند متعال، علاوه بر آن که خواب را به عنوان آیتی از آیات الهی برمی‌شمارد، در آن، نشانه‌ها و آیاتی را نیز مُنطَوی کرده و ما را به شنیدن و تدبر در آن نشانه‌ها، دعوت کرده است (۵). واژه‌ها و مفاهیمی مانند نَوْم، نُعَاس، سِنَه و رَقَد مربوط به مفهوم خواب هستند و واژگان رؤیا و حلم، مفهوم خواب دیدن را می‌رسانند (۳).

خواب در آیات قرآنی، جدایی موقت نفس از جسم بیان شده

آداب خواب بر اساس آموزه‌های دینی

خواب و آداب آن در آموزه‌های قرآنی، از اهمیت والایی برخوردار است. به واسطه خواب مناسب، انسان می‌تواند به سلامت جسم و روح دست یابد و با رعایت آداب صحیح آن، ارتباط روح انسان با عالم ملکوتی و ربوبی برقرار شده و حقایق را درک نماید (۷). یکی از آداب خواب، ذکر خداوند است. با توجه به آیه ۲۸ سوره مبارکه رعد «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»، می‌توان به فلسفه توصیه ذکر پیش از خواب پی برد (۱۰). در قرآن مجید، یکی از ویژگی‌های متقین، کم خوابیدن است؛ در این باره در تفسیر آیه ۱۷ سوره مبارکه الذاریات چنین آمده است: «وَكَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ» اندکی از شب را می‌خوابیدند و بیشتر اوقات شب را به نماز و عبادت سپری می‌کردند (۸). از مشهورترین ذکرها برای آرامش یافتن در بستر، سوره ناس و فلق و آیه الکرسی است. از امام باقر (ع) روایت شده که «هر کس هنگام خواب، دچار بیم و هراس می‌شود، وقتی وارد بستر خود شد، سوره ناس و فلق و آیه الکرسی را بخواند» (۹).

بعضی از مهم‌ترین آداب خواب عبارتند از

خوردن شام سبک، اعتدال در خوردن، مسواک زدن، تخلیه مثانه قبل از خواب، وضو گرفتن، پناه بردن به قرآن و اذکار سفارش شده و رعایت زمان خواب. حضرت امام صادق (ع) فرمود: «هرگاه رسول خدا (ص) می‌خواست بخوابد، مسواک می‌زد و به رختخواب می‌رفت و بر پهلوئی راستش می‌خوابید و دست راستش را زیر گونه راستش می‌نهاد» (۹، ۱۰).

خواب قیلوله

چنانچه فردی طبق برنامه عرضه شده از سوی دین مقدس اسلام، از سر شب تا اذان صبح بخوابد و بعد از نماز صبح، فعالیت‌های روزانه را شروع کرده و از خواب بین‌الطلوعین و ابتدای روز که کراهت زیادی دارد، پرهیزد، طبیعی است که نزدیک ظهر، خواب‌آلوده شده و به استراحت نیاز دارد. جالب این است که این استراحت نیز از سوی دین سفارش و اثرات مطلوبی از آن بر روح و جسم آدمی گزارش شده است. تقویت حافظه از جمله این اثرات است که در حدیث نبوی به آن اشاره شده است (۱۱). این خواب که خواب قیلوله نام دارد، خوابی

است که در وسط روز باشد. حکما این نوع خواب را در تابستان که روزها طولانی است، مفید دانسته و از آن به عنوان سنت حضرت رسول (ص) یاد کرده و انجام آن را ثواب دانسته‌اند و ترک آن را نیز عتاب به شمار نیآورده‌اند (۱۰، ۱۲). علامه مجلسی در این خصوص فرموده است: «... و پیش از ظهر در وقت گرمی هوا و بعد از نماز ظهر و عصر خواب قیلوله سنت است» (۱۳).

منابع:

- قرآن کریم

۱- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۶۲). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۲- اسعد، محمدرضا. بررسی تطبیقی خواب و رویا در اندیشه‌های قرآنی و مثنوی مولانا. فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، سال سوم، شماره ۱۱، ۱۳۸۸، صص ۲۹-۵۸.

۳- خرم‌دشتی، ابراهیم؛ بررسی جایگاه و اعتبار خواب و رویا از منظر قرآن و حدیث. پایان‌نامه کارشناسی ارشد: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه کاشان، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۹۲.

۴- استاذزاده، زیبا؛ آل یاسین، سیدعلی. خواب و رویا از منظر اسلام و روانشناسی، سومین کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم، شیراز. نشریه فقه، حقوق و علوم جزا، سال یکم، شماره ۱، ۱۳۹۵، صفحات ۱۶۳-۱۸۰.

۵- بختیاری، ابوالحسن. (۱۳۹۴). خواب و بیداری به عنوان یکی از ارکان حفظ الصحه در قرآن کریم، دوفصلنامه پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم، دوره ۶، شماره ۲، صفحه ۱-۸.

۶- حصارکی، محمدرضا؛ فیروزی، حسین. مفهوم خواب و رویا از منظر قرآن، عرفان و فلسفه. دوره ۱۴، شماره ۵۶، اسفند ۱۳۹۵.

۷- Mafi F, Nemati D, Talebtash A. The rites of sleep in Islamic teaching. JMED, Vol.۷, No.۱, Spring & Summer ۲۰۱۵

۸- طباطبایی، محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی. قم، انتشارات حوزه علمیه قم. ۱۹۹۵، جلد ۱۸، ص ۵۵۴

۹- مجلسی، محمد باقر. بحارالانوار، جلد ۷۶، ۱۳۶۵.

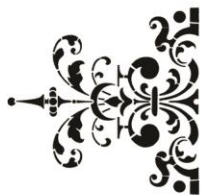
۱۰- نامی، وجیهه؛ نامدار، حسن. پژوهشی پیرامون خواب براساس آثار طبی موجود در مجموعه دیجیتالی مرکز تحقیقات علوم قرآن، حدیث و طب، نشریه مطالعات اسلامی در طب، دوره ۱، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۶

۱۱- نوری طبرسی، میرزا حسین. دارالسلام، جلد ۳، صفحه ۵۵.

۱۲- حکیم ارزنی. مفرح القلوب. تصحیح اسماعیل ناظم و محسن باغبانی. جلد ۳، تهران، انتشارات المعی. ۱۳۹۱. صص ۸۲۷-۸۲۶

۱۳- مجلسی، محمدباقر. حلیه المتقین. قم، انتشارات هجرت. ۱۳۷۵، ص ۲۲۸





است. برخی از این روایات، صرفاً گفتگوی میان امام و راوی و یا اشخاص دیگر است. بدیهی است که راوی، همیشه آنچه را که خود فهمیده، نقل می‌کند. در این میان، پدیده «اشتباه» ممکن است که به صورت جدی توسط راویان - که معصوم نیستند - رخ داده باشد. از این رو، ممکن است آسیب‌هایی در ناحیه سند یا متن حدیث پیش آمده باشد؛ مثلاً کلام غیر معصوم، حدیث یا جزیی از حدیث، شمرده شده باشد؛ یا افتادگی و اشتباه لفظی در حدیث اتفاق افتاده باشد؛ یا بسیاری اتفاقات دیگر که در مسیر نقل و انتقال احادیث در میان راویان پیش آمده است. بنابراین، پیش از هر چیز، ضرورت دارد که حدیث از منابع اصلی و مورد اعتماد گرفته شود؛ ثانیاً همه نقل‌های حدیث، جمع‌آوری و مقابله شوند؛ ثالثاً فضای صدور روایات - در حد امکان - با استفاده از نقل‌های گوناگون آن، شناسایی شوند.

بر پایه قواعد درایة الحدیث، انواع حدیث به لحاظ اتفاقاتی که ممکن است برای حدیث پیش بیاید، تبیین شده‌اند. از این منظر، اتصال یا انقطاع سند، وضعیت اعتماد به راویان، آسیب‌های متنی روایات، انواع دلالت‌های روایات و ... قابل شناخت و برخورد مناسب است و این، کاری است که حدیث‌پژوه متبحر، باید به آن اقدام کند و زوایای کار را بشناسد.

نکته دوم: استناد

در دانش‌های حدیثی، یک دغدغه مهم - و از نگاهی مهم‌ترین دغدغه- صدور روایت از معصوم است. ارزیابی حدیث در جهت دستیابی به این مهم، بر پایه مبانی اصول فقهی عالمان، صورت می‌گیرد. برخی، صرفاً با نگاه به راویان که در سند حدیث قرار گرفته‌اند، به بررسی صدور حدیث می‌پردازند. بر این پایه، حدیث را به چهار نوع صحیح، حسن، موثق و ضعیف تقسیم می‌کنند. این عناوین به اعتبار اتصال و عدم اتصال سند به معصوم و نیز اوصاف راویان و میزان اعتماد به آنها، بر احادیث، تطبیق می‌شود. این دیدگاه، خبر راوی ثقه را معتبر می‌شمارد.

برخی دیگر، وثوق به صدور روایت را، ملاک اعتبار حدیث می‌دانند. این وثوق و اعتماد به صدور روایت، برخاسته از پژوهش‌هایی است که از ناحیه سند حدیث و متن آن و منبع حدیث و قرینه‌های خاص و موردی آن، نتیجه می‌دهد. این دیدگاه را وثوق صدوری می‌نامند. بر اساس دیدگاه دوم - که غالب عالمان و حدیث‌پژوهان، آن را پذیرفته‌اند- گاه، حدیث ضعیف (از نظر سند) ممکن است با قرائن

با توجه به اینکه بخش مهمی از پژوهش بر روی روایات طبی - بر پایه ماهیت اساسی آنها - به روش‌های پژوهشی در حوزه حدیث مرتبط است، لازم است که ضرورت‌های حداقلی یک پژوهش میان‌رشته‌ای حدیث و علوم پزشکی تبیین شود. در این گفتار، ضمن اشاره به چند نکته اصلی، بحث‌های مقدماتی با نگاه مطالعه احادیث پزشکی، ارائه می‌شود.

این ضوابط از آنجا مهم است که حدیث‌پژوهان در طول تاریخ علوم حدیث، دانش‌ها و راهکارهایی را برای شناخت و ارزیابی مناسب حدیث طراحی کرده‌اند که بدون توجه به آنها، نمی‌توان به یک پژوهش حدیثی دست زد. توجه به این نکته لازم است که بر پایه همه روش‌های شناخته شده در مطالعات میان‌رشته‌ای، باید اصول و ضوابط و قواعد دانش‌های مورد مطالعه، به‌طور کامل رعایت شود. تساهل و تسامح در آموزه‌های این دانش‌ها، موجب آن خواهد شد که نوعی درهم‌ریختگی و به خطا رفتن در نتایج پژوهش، پیش آید.

نه هر حدیثی و با هر روشی، و نه هر آموزه طبی و از هر کسی، پذیرفته حدیث‌پژوهان و پزشکان نیست. از این رو، برای رسیدن به نتیجه مقبول، باید اصول پژوهشی هر دو طرف مطالعه میان رشته‌ای به درستی رعایت شود. بنابراین، ضمن تاکید بر این جهات، ضرورت دارد روش پژوهشی مناسب در حوزه حدیث هم - به شکل حداقلی - نادیده گرفته نشود. این نگاه حداقلی بدان جهت است که پزشکان محترم در مقام مطالعه و احیانا تحقیق در این روایات، با اصول کلی و اولیه مطالعات حدیثی در حوزه خاص پزشکی آشنا باشند، اگرچه که به‌کارگیری تخصصی این اصول، باید در کنار متخصص حدیثی باشد.

این اصول کلی را در قالب نکاتی، در اینجا ارائه می‌کنیم:

نکته اول: شناخت حدیث

در مجموعه دانش‌های حدیثی، دانشی را با عنوان درایة الحدیث طراحی کرده‌اند که قواعد شناخت حدیث و نیز شیوه تعامل با حدیث، در آن بیان شده است. حدیث‌پژوهان با استفاده از این قواعد، در مقام تحقیق و مطالعه در باره هر حدیثی، نیازمندی‌های شناخت دقیق حدیث را فراهم می‌آورند.

علت نیاز به قواعد، بروز حالات و مشکلات خاصی است که گاه برای احادیث، پیش آمده است. چه آنکه حدیث مانند قرآن کریم به شکل اعجاز و با ابلاغ عمومی - در همه موارد - بیان نشده

مان و حدیث پژوهان، آن را پذیرفته‌اند. گاه حدیث ضعیف (از نظر سند) ممکن است با قراین خاص یا با توجه به قراین متنی، مورد اعتماد شمرده شود.

از سوی دیگر، محورهای موضوعات احادیث هم، تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. برخی موضوعات، صرفاً تبعدی و برخاسته از تأسیس شرع و دین است و برخی هم، موضوعات خارجی است که قبل از شریعت هم بوده است. قطعاً ارزیابی این دو دسته، با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند، از جمله اینکه در موضوعات تبعدی و تأسیس شریعت، راهی جز شنیدن از روایان صادق برای شناخت حکم شرعی نیست، اما در موضوعات غیر تبعدی که تأسیس شرعی نیست، همچون موضوعات معاملات و اخلاقیات و غالب موضوعات طبی و امثال اینها، راه شناخت احادیث با تعقل و تحلیل یا آزمایش و تجربه ممکن است.

به بیان دیگر، در خصوص مسائل پزشکی مثلاً، آزمون تأثیرگذاری یک آموزه روایی و شرایط آن، می‌تواند در اعتماد یا عدم اعتماد به آن آموزه، تأثیرگذار باشد. البته، قواعد استنادی احادیث که در علوم حدیث، وجود دارد، در اعتمادسازی نسبت به حدیث، نقش دارند، اما تنها راه اعتماد به این نوع احادیث، بررسی‌های صرفاً رجالی و نقد روایان نیست، بلکه با پژوهش‌های میان‌رشته‌ای روش‌مند، امکان دستیابی به استناد روایات وجود دارد.

این به معنای آن نیست که در استفاده از احادیث - به صورت خاص پزشکی و امثال آن - علوم حدیث نادیده گرفته شود. بلکه به معنای آن است که پژوهش‌های میان‌رشته‌ای درباره حدیث پزشکی و تحلیل محتوایی آنها، به صورت کامل وابسته به پژوهش‌های حدیثی نیست.

اگرچه که نظر نهایی درباره یک حدیث و یا یک دسته از احادیث، برخاسته از مجموعه پژوهش‌های حدیثی و پزشکی است، برآیند کلی اطلاعات دست‌یافته درباره یک حدیث، نتیجه نهایی را در پی خواهد داشت.

اما در طب روحانی، که مستفاد از آموزه‌های قرآنی و حدیثی می‌تواند باشد، چون امور تبعدی هستند، نیاز به احراز صدور روایات از راه سند جدی است. همچنان‌که در مباحث حقوقی پزشکی هم، چون به بحث‌های فقهی و حقوقی و قرار شرعی برمی‌گردد، نیاز به استناد و انتساب صحیح به شارع و قانون‌گذار وجود دارد.

نکته سوم: فهم حدیث

دریافت پیام و محتوای حدیث را به عنوان فهم حدیث و روش و مبانی استنباط از آن را فقه الحدیث می‌نامیم. قطعاً شناخت و تحلیل محتوای حدیث هم، وابسته به ضوابطی است. بخش

می‌نامیم. قطعاً شناخت و تحلیل محتوای حدیث هم، وابسته به ضوابطی است. بخش مهمی از این مسأله، وابسته به شناخت ظاهر حدیث و کم و زیادها و احیاناً یافتن قرائت صحیح از حدیث است. این مباحث در علم درایه، به شکل قاعده‌سازی و در دانش فقه الحدیث، به شکل مصداق موردی مطرح می‌شود. از این رو، نتیجه نهایی ارزیابی و فهم حدیث هم به گونه‌ای نیست که بتوان به سادگی، درباره آن، به حسب ظاهر اولیه حدیث حکم کرد. فهم ظاهر حدیث، بر پایه استفاده از راهکارهای شناخت زبانی، بخشی از کار را تشکیل می‌دهد، اما بخش مهم‌تری را باید در مسیر دستیابی به مقصود گوینده، جستجو کرد. حدیث پژوهان، این وظیفه را بر عهده دارند تا دقت‌های لازم را در جهت به کارگیری قواعد شناخت و روش فهم حدیث، مورد توجه قرار دهند.

گذشته از این، معادل‌سازی و مشابه‌سازی اصطلاحات و شناخت حدود آنها در حوزه‌های موضوعات تخصصی علوم تجربی اعم از طبیعی و انسانی، در فهم این‌گونه احادیث، یک ضرورت است.

یافته‌های دانش‌های بشری در صورتی که قطعی باشند، خود در شمار قرینه‌هایی شمرده می‌شوند که می‌توانند در فهم مقصود از احادیث، نقش ایفا کنند. مثال‌هایی که شیخ صدوق در این جهت آورده، سه حدیث است که درباره آنها می‌گوید:

«و آنکه در حدیث درباره غسل وارد شده که شفاى هر دردی است، صحیح است و معنایش آن است که شفاى هر دردی است که از برودت (طبع سرد) باشد. و آن حدیث که در آن، برای بواسیر، استنجا به آب سرد وارد شده، در صورتی است که بواسیر، ناشی از حرارت باشد و آن حدیث که در باب بادنجان وارد شده که شفا است، مخصوص وقتی است که در فصل مرطوب است و شخص، چیزی با طبع مرطوب می‌خورد نه سایر اوقات.»

نکته چهارم: نقد حدیث

پس از شناخت و فهم حدیث، نتیجه‌ای که حاصل می‌شود دو حالت کلی است. حالت اول احراز درستی حدیث از جهت صدور و محتوا و قواعد حدیث شناختی. در این صورت، حدیث معتبر خواهد بود و قابل استفاده در جهات مختلف خواهد بود و حالت دوم، عدم احراز صحت حدیث از هر یک از جهات سه‌گانه فوق است. تفصیل این بحث، در شماره آینده ذکر خواهد ان شاء الله

۱- بنگرید: محمد حسن ربانی بیرجندی، «وثوق صدوری و وثوق سندی و دیدگاهها» مجله کاوشی نو در فقه، شماره ۱۹ و ۲۰.
۲- همان



فقه سلامت

تشریح و کالبدشکافی در آینه فقه

محمد مهری لبقوان

کارشناس مسوول آموزش دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم پزشکی قم

پاسخ‌های ایشان، ذکر می‌گردد:

***سؤال:** تشریح مرده مسلمان چه حکمی دارد؟

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای حفظه الله:

جایز نیست مگر در صورتی که نجات مسلمانی متوقف بر آن باشد، یا نیاز پزشکی کشور اسلامی رفع نشود مگر به آن و بعض موارد ضرورت.

حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی رحمه الله:

تشریح جسد مسلمان جایز نیست هر چند که خود وصیت و اجازه داده باشد، یا اولیای او رضایت بدهند، ولی در صورتی که فراگیری مسائل پزشکی در حدی باشد که حفظ جان یا سلامتی و مداوای بیماران مسلمان ولو در آینده متوقف بر آن باشد و تهیه مرده غیر مسلمان اگرچه با خرید آن مقدور نباشد، در این صورت، تشریح میت مسلمان به قدر ضرورت جایز است ولی بنابر احتیاط، دیه آن را طبق مسئله ۱۹۴۶ پردازد تا برای خود میت به مصرف حج یا صدقات و خیرات برسد و چیزی از آن به ورثه نمی‌رسد.

حضرت آیت الله العظمی سیستانی حفظه الله:

جایز نیست حتی با وصیت خودش، بنابر احتیاط مگر برای حفظ جان بیماران مسلمان ولو در آینده.

حضرت آیت الله العظمی تبریزی رحمه الله:

جایز نیست.

حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی حفظه الله:

جایز نیست.

حضرت آیت الله العظمی بهجت رحمه الله:

جایز نیست.

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی حفظه الله:

تشریح اگر با شرایطی که در مسئله ۲۴۴۹ رساله توضیح المسائل آمده باشد اشکالی ندارد.

***سؤال:** در عمل جراحی که بیمار فوت می‌کند، چنانچه پزشک معالج و یا پزشکان دیگر کالبدگشایی کنند و علت مرگ را دریافته و از نتیجه و اثر جراحی، آگاه شوند و تغییرات به وجود آمده در درون

تشریح از ریشه شرح و در لغت، به معنای شرحه شرحه یا قطعه قطعه کردن و جدا کردن گوشت از عضو است. در اصطلاح، بازشناسی اعضا و جوارح انسان یا حیوان از راه شکافتن بدن را علم تشریح یا کالبدشکافی می‌گویند(۱). کاربردهای کالبدشکافی، عمدتاً شامل آموزش دانشجویان، تشخیص بیماری و علت مرگ است. برخی معتقدند تاریخچه کالبدشکافی به ۲۵۵ تا ۳۲۵ قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد و هروفیلوس یونانی پدر آناتومی دنیا، اولین پزشک یا کالبد شناس تاریخ بوده که همه روزه در دانشگاه اسکندریه، آزمایش‌های خود را بر روی جسد انسان‌ها و حیوانات انجام می‌داد و همو، اولین رساله در مورد تشریح بدن انسان را به نگارش درآورد. وی بسیاری از واژه‌های علمی کالبدشکافی را که امروزه نیز از آنها استفاده می‌شود، ابداع کرد و اولین کسی بود که تفاوت شاهرگ و سیاهرگ و همچنین وجود و تفاوت بین اعصاب حرکتی و احساسی را کشف کرد.(۲)

ابوزکریا یوحنا بن ماسویه، پزشک مسیحی مذهب سریانی جندی شاپور که پزشک چند تن از خلفای عباسی بود، در سال ۲۴۳ هجری قمری، کتاب مفصلی به نام التشریح نوشته است که سال‌ها به عنوان منبع معتبری برای همه دانشمندان محسوب می‌شده است. وی از یک میمون ماده جهت تشریح نگهداری، و آزمایش‌های خود را بر روی او انجام می‌داده است. دانشمندان دیگر مسلمان مانند ابن زهره نیز سرآمد معاصران خود در این زمینه بوده‌اند(۱). اما از منظر فقه، به دلیل نوپدید بودن مسائل مربوط به کالبدشکافی، فقیهان پیشین کمتر به آن توجه نموده‌اند و اغلب، به دلیل هتک حرمت میت، تأخیر در دفن و مثله فرض نمودن میت، بر حرمت کالبدشکافی، فتوی داده‌اند. با این حال، ضرورت‌های دوران معاصر برای برخی از کالبدشکافی‌ها، بالاخص در علم طب و تشخیص جرایم، موضوع را بیش از گذشته، مورد توجه قرار داده و منجر به صدور فتاوی مختلفی شده است که در ذیل، برخی از استفتائات به عمل آمده از مراجع تقلید عظام و



بیمار را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند، در نجات جان انسان ها در جراحی‌های بعدی بسیار مؤثر خواهد بود. آیا چنین کالبدگشایی، جایز یا لازم خواهد بود؟

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای حفظه الله:

اگر نجات نفس محترمی یا کشف مطالب جدید علم پزشکی که مورد نیاز جامعه است و یا دستیابی به اطلاعاتی راجع به بیماری که زندگی مردم را تهدید می‌کند، منوط به آن باشد، تشریح جسد میت اشکال ندارد، ولی واجب است تا حد امکان، از جسد میت مسلمان استفاده نشود.

حضرت آیت الله العظمی تبریزی رحمه الله:

کالبد شکافی مسلمان جایز نیست و تجهیز او واجب است والله العالم.

حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی رحمه الله:

اگر نجات جان مؤمنین در آینده، متوقف بر این باشد و امکان آموزش با جسد کافر هم نباشد، مانعی ندارد.

حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی حفظه الله:

اگر ضرورت ایجاب کند و دسترسی به بدن کافر ولو با خریدن آن برای رسیدن به این مقصود ممکن نباشد، مانعی ندارد.

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی حفظه الله:

کالبدشکافی در فرض سؤال جایز است.

*سؤال: آیا به قطع اعضا و جوارح بدن میت، دیه تعلق می‌گیرد؟ و دیه آن چه مقدار است؟

حضرت آیت الله العظمی سیستانی حفظه الله:

دیه دارد و هر عضوی، دیه خاص خود را دارد و دیه آن، در خیرات از طرف او باید صرف شود اگر دینی نداشته باشد و به ورثه نمی‌رسد.

حضرت آیت الله العظمی تبریزی رحمه الله:

بلی بر قطع اعضا و جوارح میت، دیه متعلق می‌شود، و دیه آن‌ها نسبت به دیه جنین حساب می‌شود.

حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی حفظه الله:

بلی دیه تعلق می‌گیرد و به نسبت دیه حی، عشر است.

حضرت آیت الله العظمی بهجت رحمه الله:

بلی دیه آن دیه اعضای جنین است قبل از ولوج روح.

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی حفظه الله:

دیه تعلق می‌گیرد و دیه آن یک دهم دیه حی است.

حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی رحمه الله:

بلی به کتاب دیات از سری کتاب‌های تفصیل الشریعه مراجعه شود.

۱- روغنی، شهره. تشریح در طب در دوران تمدن اسلامی و شیوه‌های دستیابی به دانش آن. فصلنامه تاریخ پزشکی، سال دوم، شماره ۴، پاییز ۱۳۸۹

2- Noel Si-Yang Bayl and Boon-Huat Bay, Greek anatomist herophilus: the father of anatomy, PMC, US National Library of Medicine, year 2010

۳- پایگاه اطلاع‌رسانی آیت الله تبریزی: fa.tabrizi.org

۴- پایگاه اطلاع‌رسانی آیت الله مکارم شیرازی: www.makarem.ir

۵- پایگاه اطلاع‌رسانی آیت الله صافی گلپایگانی: www.saaafi.com

۶- پایگاه اطلاع‌رسانی آیت الله سیستانی: www.sistani.org

۷- قاسمی، محمد علی. دانشنامه فقه پزشکی، مرکز فقهی ائمه اطهار،

جلد سوم، چاپ اول، سال ۱۳۹۵



اخلاق سلامت

دانش اندک ما

دکتر محسن رضایی آدریانی

مدیر گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم پزشکی قم

بحث ما در این مجال، طرح یک آیه کریمه یا یک حدیث شریف از معصومین (ع) است که با موضوع هر یک از جلسات درس اخلاق حرفه‌ای ارتباط و تناسب دارد. آیه کریمه‌ای که تقدیم می‌شود، می‌تواند در جلسه «رابطه تیم پزشکی و سلامت با بیمار و گیرنده خدمت» بیان گردد. خدای تبارک و تعالی در آیه ۸۵ سوره مبارکه «اسراء» می‌فرماید:

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا

از تو درباره روح سؤال می‌کنند، بگو: روح از فرمان پروردگار من است، و جز اندکی از دانش، به شما داده نشده است.

(ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی حفظه الله)

فرمایش قرآن کریم این است که اندکی از دانش به شما داده شده است. به بیان دیگر، قرآن کریم توجه می‌دهد که شما خیلی چیزها را نمی‌دانید و بیشتر دانش، در دست شما نیست. کبر، غرور و فخرفروشی می‌تواند مانع یادگیری و دفع و رفع اشتباه ما در حوزه سلامت شود. باید توجه داشت که آسیب مستقیم اشتباه ما، متوجه بیمار می‌شود. از این رو، فخرفروشی در حوزه سلامت، از ابعاد متعددی، نادرست و غیراخلاقی است.

* * * * *

به این مثال توجه بفرمایید و نظرات ارزشمند خود در این باره را برای مجله ارسال بفرمایید. با اتاق فرمان فوریت‌های پزشکی ۱۱۵ تماس گرفته شده و درخواست پاسخ به یک پرسش دارند. مکالمه به پزشک عمومی مستقر احاله می‌شود. پرسش این است که یک مارمولک، داخل دیگ غذا افتاده است. غذا همچنان پاک است؟ خوردن آن حلال است؟ از نظر بهداشتی، خوردن آن اشکالی دارد یا خیر؟ پزشک پاسخ می‌دهد که از نظر بهداشتی، منعی برای استفاده از این غذا وجود ندارد. پاکی یا نجاست و حلال یا حرام بودن آن را هم نمی‌دانم. پرستار مستقر در اتاق فرمان که شاهد مکالمه است، به پزشک می‌گوید: «دکتر، باید غذا را دور بریزند. دُم مارمولک، دارای سم سیانور است. خطر مرگ وجود دارد.»

یکی از اموری که باعث می‌شود ما ارائه‌کنندگان خدمات سلامت (به‌خصوص ما پزشکان) در حق دیگران، از جمله بیماران، همراهان آنها، همکاران و ... ظلم کنیم، تکبر و غروری است که از تحصیلات طولانی‌تر و از داشتن مدرک بالاتر، به جان ما می‌افتد. «من! ۱۲ سال دیپلم، ۷ سال پزشکی، ۴ سال تخصص، ۶ ماه فوق تخصص درس خوانده‌ام. این دیگه کیه! یه کارشناسی داره، اما من ...!» شاید تاکنون با افرادی این چنین، برخورد داشته‌اید. امیدوارم قبلاً چنین کسانی را ندیده باشید و بعداً هم نبینید. اما متأسفانه بعضی وقت‌ها، خودمان هم در مقابل بیمار، همین‌گونه رفتار می‌کنیم.

چه خوب است که ما پزشکان این آیه کریمه را آویزه گوش کنیم و به خاطر بسپاریم و حتی زبینه است که آن را با خطی زیبا نوشته و قاب کرده و در مطب خود نصب نماییم. همه به خصوص ما افراد تحصیل کرده، به این تذکر قرآنی نیاز داریم. غرور و فخرفروشی ناشی از «مدرک» تحصیلی بالاتر، می‌تواند «درک» ما را تا جایی پایین آورد که شرافت و کرامت انسان‌های دیگر و هم‌نوعان خود را از یاد ببریم.

برای اینکه غرور و فخرفروشی بی‌جا دامن‌گیر ما نشود، لازم است دقت داشته باشیم و خیال باطل و تصور غلط نکنیم که خیلی می‌دانیم. نه!!! واقعیت این است که ما خیلی بیشتر از دانسته‌هایمان، ندانسته داریم. بیش از آنچه می‌دانیم، نمی‌دانیم!!!

به نظر شما، در موقعیت فوق، واکنش صحیح و اخلاقی پزشک، چه باید باشد؟ پاکی یا نجاست و حلیت یا حرمت آن چگونه است؟ پاسخ خود را تا آخر بهمن ۱۳۹۷ و از طریق رایانامه hrj@muq.ac.ir، به دفتر مجله ارسال و در مسابقه شرکت نمایید.



فلسفه سلامت

رویکرد فیزیولوژیک به مفهوم سلامت و بیماری

دکتر صادق یوسفی

رئیس مرکز تحقیقات سلامت معنوی، دانشگاه علوم پزشکی قم

در شماره‌های قبل، به مفاهیم سلامت و بیماری با رویکرد آماری و تکاملی اشاره کردیم. حال، به مفهوم فیزیولوژیک سلامت و بیماری می‌پردازیم.

به‌طور سنتی، مفهوم فیزیولوژیک بیماری با مفهوم هستی‌شناسی بیماری در تضاد است، چرا که از دیدگاه فیزیولوژیک، بیماری یک مفهوم انتزاعی بوده و نباید با یک وجود واقعی اشتباه گرفته شود. به عبارت دیگر، بیماری یک ماهیت مستقل نبوده، بلکه انحراف از یک کارکرد هنجار یا نظم کلی است و قوانین فیزیولوژی برای فهم طبیعت پاتولوژیک یک بیماری، ضروری هستند. بنابراین، بیماری‌ها بیش از آن‌که به شکل ذاتی وجود داشته باشند، به یک بستر خاص برای بروز نیاز دارند و به سخن دیگر، بیش از آن‌که نتیجه موجودیت خود بیماری باشند، حاصل قوانین فردی، قوانین فیزیولوژی و ویژگی‌های محیطی هستند. بنیان نظریه فیزیولوژیک بیماری، مفهوم هنجار بودن است. برای روشن شدن این موضوع، یادآوری می‌شود که محدوده طبیعی بسیاری از فرآیندهای فیزیولوژیک متفاوت است. به عنوان مثال، فشار خون طبیعی بین ۹۰-۱۴۰ میلی‌متر جیوه برای فشار سیستولیک و ۶۰ تا ۹۰ میلی‌متر جیوه برای فشار دیاستولیک در نظر گرفته می‌شود. بر این اساس، بسته به فعالیت فیزیکی فرد، فشار خون در این محدوده در نوسان و متفاوت بوده و در شرایط استراحت، به حالت عادی باز می‌گردد. حال اگر در شرایط استراحت، این فشار خارج از محدوده طبیعی باشد، ممکن است دلیل یک بیماری یا وضعیت پاتولوژیک باشد. قوانین حاکم بر این فرآیندهای فیزیولوژیک، بخشی از مکانیسم‌های هوموستاتیک هستند که باعث تضمین کارکرد پایدار بدن

می‌شوند. از طرفی، برخی از طرفداران رویکرد فیزیولوژیک به بیماری، بین بیماری و ناخوشی تمایز قائل هستند. آنها معتقدند که بیماری باعث وقفه در کارکردی خاص در اعضای یک گونه می‌شود و یک مفهوم فارغ از ارزش است، درحالی‌که در ناخوشی، ارزش‌های فردی، اجتماعی و یا فرهنگی نیز لحاظ می‌شوند. به عبارت دیگر، بیماری، یک مفهوم ذاتی و بنابراین نظری است، در حالی‌که ناخوشی، یک مفهوم هنجاری و بنابراین عملی است. مفهوم هنجاری بیماری در بین برخی از فیلسوفان پزشکی، نشان‌دهنده یک رویکرد روان‌شناختی است که از جلوه‌گری تام‌اساس فیزیولوژیک مبنای بیماری جلوگیری می‌کند. با این توضیح، بیماری وضعیتی است که می‌تواند یا حاصل نقص در توانایی کارکرد طبیعی، یعنی کاهش یک یا چند توانایی کارکردی به زیر کارایی معمول، یا محدودیت در توانایی کارکردی ناشی از عوامل محیطی باشد. مفهوم «توانایی کارکرد عادی»، به اعضای یک «طبقه مرجع» یعنی «یک طبقه از ارگان‌های دارای طراحی کارکردی یکنواخت» اشاره دارد که در بقا و تولید مثل گونه، نقش دارند. کارکردی بودن، به پیشینه علی کارکرد بستگی ندارد، بلکه به سهم آن در دستیابی به یک هدف اشاره دارد. با این مجمل و نیز عنایت به اشارات قبل، به نظر می‌رسد مفهوم سلامت و بیماری، مستلزم تأملات خاص خود است.



روزنه‌ای به باطن دین

(سوره زمر ۱۷-۱۸)

فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ الْقَوْلَ يَسْمَعُونَ آخِرَهُ

بشارت ده به آن بندگان من که به سخن گوش فرامی دهند و بهترین آن را پیروی می کنند.



بنیاد فرهنگی آموزشی علامه طباطبائی  صفحه اصلی شرح آثار علامه مناسبت ها کتابخانه زندگینامه تماس با ما جستجو سده تربیتی

شرح آثار : آخرین به روز رسانی

- شرح کتاب اخلاقی-عرفانی "حقایق"
- شرح رساله توحیدیه : سال ۱۳۹۶
- شرح رساله الولایه : سال ۱۳۹۴
- شرح رساله انسان : سال ۱۳۹۶
- دیگر آثار : نهج البلاغه
- موضوعات بیشتر

روزنه ای به باطن دین

با عنایت حضرت حق، بر آن شدیم که با گردآوری و نشر آثار و منابع اصیل علوم و معارف اسلامی قدمی هر چند ناچیز در جهت معرفی حقیقت و باطن مکتب انسان پرور اسلام برداریم. این مهم را با نشر برخی از آثار مرحوم علامه سید محمد حسین طباطبائی از جمله "هفت رساله" ایشان در باب توحید و حقیقت انسان که توسط اسناد محمد حسین رحیمی با کلامی شیوا به شرح در آمده اند، آغاز کردیم. به مرور زمان بر این مجموعه، آثار دیگری نیز افزوده خواهد شد.



شناخت صحیح و همه‌جانبه انسان به عنوان موضوع علوم سلامت، به درک صحیح از این علوم و کارکردهای آن و در نتیجه تصحیح و ارتقای بسیاری از باورها، نگرش ها و رفتارهای صاحبان این حرفه‌ها خواهد شد. برای شناخت انسان و رابطه او با خداوند و بسیاری از مفاهیم اساسی مرتبط با انسان، مراجعه به تألیفات علامه طباطبائی به ویژه رسائل توحیدی آن علامه یگانه، قطعاً راهگشا خواهد بود. پایگاه اینترنتی بنیاد فرهنگی آموزشی علامه طباطبائی به نشانی www.eksir.org منابع فوق را به همراه شرح و توضیح، در اختیار علاقه مندان قرار داده است.

